

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۳/۱۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

سارا گیلانی^۱، عباسعلی ایزدی^۲

تأثیر تغییر مقطع تحصیلی از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته بر انتخاب دانشجوی برای تحصیل در رشته معماری

چکیده

تاکنون در نحوه پذیرش دانشجوی برای تحصیل در رشته معماری دو تغییر عمده ایجاد شده است. ابتدا آزمون طراحی حذف شد و سپس مقطع آن از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته تغییر یافت. تغییر مقطع این رشته موجب شده است داوطلبانی با ویژگی‌های متفاوت از قبل پذیرفته شوند که در این مطالعه به تفاوت ویژگی‌های داوطلبان پذیرفته شده در رشته معماری در دوره قبل و بعد از تغییر مقطع آن پرداخته می‌شود. در این پژوهش به کمک آمار و اطلاعات دریافت‌شده از سازمان سنجش کشور، عملکرد پذیرفته‌شدگان در رشته معماری در کنکور سراسری قبل و پس از تغییر مقطع این رشته مورد تحلیل کمی قرار گرفت. برای سنجش علایق و انگیزه‌های داوطلبان پذیرفته شده در رشته معماری به تحلیل کمی و کیفی پرسش‌نامه طراحی شده برای این منظور نیز پرداخته شد. به‌علاوه برای محک زدن عملکرد تحصیلی دانشجویان، پرسش‌نامه‌ای که پاسخ‌دهندگان آن استادان بودند، تحلیل کیفی شد. بنا به نتایج پژوهش انجام‌شده، تغییر مقطع معماری از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته، موجب شده است دانشجویانی با علایق و توانایی‌های متفاوت برای تحصیل در این رشته پذیرفته شوند. با توجه به جوانب مثبت و منفی این تغییر در نحوه برگزاری آزمون معماری، ایجاد مجموعه‌ای از تحولات در شیوه‌های آموزش جهت این دسته از دانشجویان ضروری به‌نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: معماری، مقطع تحصیلی، کارشناسی ارشد پیوسته، کارشناسی ارشد ناپیوسته.

^۱ دکتری معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: sgilani@ut.ac.ir

^۲ استادیار دانشکده معماری، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: aizadi@ut.ac.ir

مقدمه

حدود چهار دهه از تأسیس سازمان سنجش کشور که متولی انتخاب دانشجوی برای ورود به دانشگاه‌ها است، می‌گذرد. در طول این چهار دهه جمعیت کشور بیش از دو برابر شده است، ولی تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه‌های دولتی حدود نه برابر شده است. با وجود اینکه ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها نیز رشد قابل توجهی داشته، در رشته‌ای مثل رشته معماری به‌ازای هر نفر دانشجو که وارد رشته مورد علاقه خود می‌شوند، حدود نه الی ۱۰ داوطلب از تحصیل در این رشته محروم می‌مانند (ایزدی، ۱۳۸۴، ۴۶). تعداد متقاضیان ورود به رشته معماری نیز در کشور همواره رو به افزایش است. چنانکه در مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری (۱۳۸۴) ذکر شده است در سال ۱۳۸۲ تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی (به‌جز دانشگاه آزاد)، در دوره روزانه و در مقاطع کاردانی و کارشناسی مهندسی معماری ۲۷ مرکز با ظرفیت حدود ۱۳۰۰ نفر بوده است. این آمار در سال ۱۳۸۷ رشد زیادی داشته است. چنانکه تعداد مراکز آموزش دولتی به ۳۳ مرکز، واحدهای پیام نور ۱۸ مرکز و مراکز غیرانتفاعی به ۴۹ مرکز افزایش پیدا کرده است. ظرفیت پذیرش دانشجوی نیز از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۷ پنج برابر رشد داشته است و در حال حاضر بیش از ۵۰۰ مرکز آموزش عالی (دولتی و غیردولتی) در رشته معماری در کشور به فعالیت خود مشغول هستند (محمودی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰).

به‌طور کلی، کنکور سراسری در ایران به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی امروز خانواده‌ها و فرزندان آنها محسوب می‌شود. این مسئله، از یک سو با توجه به جمعیت کشور و افزایش تقاضا برای تحصیل در دوره‌های آموزش عالی و از سوی دیگر از حیث ظرفیت پذیرش در دانشگاه‌ها رخ نموده است. از این‌رو نحوه برگزاری و گزینش دانشجو و ایجاد شرایط برابر برای تمامی داوطلبان شرکت‌کننده در کنکور از حساسیت بالایی برخوردار است. به‌همین خاطر، بعضاً سازمان سنجش تغییر و تحولاتی در نحوه انتخاب دانشجو برای برخی رشته‌ها انجام می‌دهد. رشته معماری یکی از این رشته‌ها بوده است، به‌طوری‌که دو تغییر عمده در نحوه برگزاری کنکور این رشته اعمال شده است. یعنی ابتدا آزمون طراحی معماری از آن حذف گردید و پس از چند سال مقطع تحصیلی آن از کارشناسی ارشد پیوسته به کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته تغییر داده شد.

آزمون اختصاصی معماری [طراحی] که تا سال ۱۳۷۱ در کنار آزمون فنی- مهندسی از متقاضیان رشته معماری گرفته می‌شد از سال ۱۳۷۲ حذف شد. رشته معماری در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته در دانشگاه‌های سراسری تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت، یزد، پردیس اصفهان، گیلان و شیراز تا سال ۱۳۷۷ و در پنج واحد از واحدهای دانشگاه آزاد تا سال ۱۳۷۸ ارائه می‌شد و در دیگر دانشگاه‌ها در مقطع کاردانی. اما در سال ۱۳۷۸ دوره کارشناسی ارشد پیوسته معماری که تا آن سال دوره تعریف‌شده‌ای برای این رشته محسوب می‌شد و تنها رشته‌ای بود که به‌صورت کارشناسی ارشد پیوسته در شاخه فنی- مهندسی ارائه می‌شد، حذف گردید و دانشگاه‌ها ملزم به پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی معماری با برنامه جدید آموزشی شدند. به این ترتیب دانشگاه‌های سراسری از سال ۱۳۷۸ و دانشگاه آزاد از سال ۱۳۷۹ در دوره کارشناسی معماری اقدام به پذیرش دانشجو نمودند (طاقی، ۱۳۸۷، ۱۲۷ و ۱۲۹). اما رشته معماری از جمله رشته‌هایی است که از ماهیت و ویژگی‌های متفاوتی نسبت به سایر رشته‌های گروه آزمایشی ریاضی- فیزیک برخوردار است.

معماری ترکیبی از سه حوزه اصلی علوم انسانی، تکنولوژی و علوم مثبت و خلاقیت طراحی [هنر] است، به‌طوری‌که این رشته در بعضی از دانشگاه‌های دنیا در دانشکده‌های فنی قرار دارد و

در بعضی دیگر در دانشکده‌های هنر. اهمیت و سهم هر یک از حوزه‌های سه‌گانه در مدارس مختلف معماری با هم متفاوت است؛ لیکن در اکثر مدارس معماری بخش خلاقانه طراحی سهم به‌سزایی دارد. زیرا حوزه طراحی جایی است که بینش‌های حوزه علوم انسانی و دانش‌های تکنولوژی و علوم مثبت در قالب کالبد و فضای معماری تجلی می‌یابد (ایزدی، ۱۳۸۴، ۴۸). به این ترتیب، از میان بخش‌های مذکور برای معماری، آموزش بخش طراحی/هنر آن از پیچیدگی خاصی برخوردار است. می‌توان گفت طراح نیز در فرآیند معماری از نقش تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. به تبع این امر، نحوه گزینش دانشجوی برای این رشته جایگاه ویژه‌ای دارد. چنانکه در مطالعه انجام شده‌ای در مورد نظام آموزشی موفق در معماری، طبق نظرسنجی صورت‌گرفته از استادان و دانشجویان، هر دو گروه مذکور مهم‌ترین عامل موفقیت یک نظام آموزشی معماری را در گرو انتخاب دانشجوی مناسب این رشته برشمردند (محمودی، ۱۳۸۱، ۷۷).

اما انتخاب دانشجوی معماری به دلیل خصوصیات عمده هنری، علمی و فنی این رشته پیچیدگی‌های خاصی دارد. مطالعات نشان می‌دهد که داوطلبان کنکور معمولاً آشنایی چندانی با رشته معماری ندارند و حتی آن دسته از دانش‌آموزانی که به‌گونه‌ای علاقمندی خود را ابراز می‌دارند، به اندازه کافی تصویری از تحصیلات و شغل آینده مورد علاقه خویش ندارند (دروگر، ۱۳۸۸، ۲۷-۲۶).

لازم به ذکر است داوطلبان بنا به انگیزه‌های متفاوتی رشته تحصیلی آینده خود را انتخاب می‌نمایند. انگیزه‌های داوطلب برای ادامه تحصیل بر یادگیری او در طول دوره تحصیلی او نیز تأثیرگذار است. درباره تأثیر انگیزش بر یادگیری پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. به‌طور مثال کیت^۱ و کول^۲ آثار چند عامل مهم مانند توانایی یادگیرندگان، آموزش معلمان و انگیزش را بر یادگیری در بیش از ۲۵۰۰۰ دانش‌آموز مورد بررسی قرار دادند. مهم‌ترین عاملی که مستقیماً با میزان یادگیری رابطه مثبت نشان داد، سطح توانایی یادگیرندگان بود. پس از آن دو عامل مهم دیگر، یکی آموزش معلم و دیگری انگیزش برای یادگیری بودند (سیف، ۱۳۸۶، ۲۴۶).

این در حالی است که افراد بسیاری هستند که به‌علت نداشتن اطلاعات کافی در مورد رشته انتخابی خود، در بین راه نسبت به رشته خود احساس بی‌علاقگی کرده و اقدام به تغییر رشته می‌نمایند (احمدی و سروری، ۱۳۸۱، پ). عده دیگری از ادامه تحصیل انصراف می‌دهند یا با بی‌علاقگی و دل‌زدگی ادامه تحصیل می‌دهند (سودایی شبستری، ۱۳۸۵، ۱۱). افراد دیگری هم هستند که پس از فارغ‌التحصیلی هیچ بهره‌ای از تحصیلات خود نبرده و در زمینه‌های متفاوت دیگر مشغول به‌کار می‌شوند (احمدی و سروری، ۱۳۸۱، پ).

یکی از رشته‌هایی که کنکاش دقیق انگیزه‌ها و توانایی‌های داوطلب برای انتخاب آن به‌عنوان رشته تحصیلی آینده از حساسیت خاصی برخوردار است، رشته معماری است. چرا که علاوه بر مواد آزمون آن در کنکور سراسری در حال حاضر، به معیارهای دیگری نیز برای سنجش علاقه و استعداد جهت گذراندن دوره‌ای موفق در دانشگاه و سپس در بازار کار نیاز دارد که لازم است خود داوطلب به آنها توجه داشته باشد.

به این ترتیب، با توجه به ماهیت متفاوت رشته معماری نسبت به سایر رشته‌های فنی-مهندسی، نحوه گزینش دانشجوی برای تحصیل در این رشته نیز دارای ظرافت‌های خاصی است. همان‌طور که اشاره شد، در آزمون این رشته نیز از ابتدای برگزاری تغییر و تحولاتی داده شده است. فرضیه این پژوهش این است که اعمال این تغییرات در نحوه انتخاب دانشجوی برای تحصیل در رشته معماری موجب ورود دانشجویانی با علایق و توانایی‌های متفاوت شده است که این تفاوت‌ها از عملکرد آنها هم در آزمون سراسری و هم در طول دوره تحصیل در دانشگاه و پس از

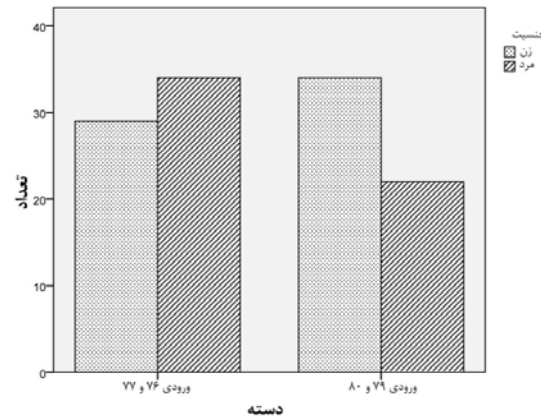
آن، عملکرد حرفه‌ای‌شان در بازار کار قابل مشاهده است. به این ترتیب با فرض اینکه داوطلبانی با ویژگی‌ها و دیدگاه‌های متفاوت از قبل وارد این رشته شده باشند که بعدها نیز این تفاوت‌ها در کار حرفه‌ای قابل مشاهده است، تجدید نظر در نحوه آموزش به آنها در دانشگاه منطقی به نظر می‌رسد. از این رو بررسی و مطالعه جوانب مثبت و منفی نحوه گزینش دانشجویان برای رشته معماری ضروری به نظر می‌رسد. در ارتباط با آزمون طراحی برای معماری، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در این پژوهش، به تأثیر تغییر مقطع معماری از کارشناسی ارشد پیوسته به کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته پرداخته می‌شود. به طور کلی پرسش‌های این پژوهش این بوده است که آیا تغییر مقطع تحصیلی رشته معماری از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته بر انتخاب داوطلبان پذیرفته شده در این رشته تأثیری داشته است؟ و دیگر اینکه داوطلبان پذیرفته شده در رشته معماری قبل و بعد از تغییر مقطع این رشته از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته، چه تفاوت‌هایی دارند؟

روش پژوهش

برای انجام این پژوهش با توجه به اینکه پذیرش در رشته معماری در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته از سال ۱۳۷۸ متوقف شد و از این سال بود که پذیرش داوطلبان کنکور سراسری در مقطع کارشناسی معماری آغاز گردید، یک بازه زمانی قبل و بعد از سال ۱۳۷۸ انتخاب شد. به عبارت دیگر، دو ورودی قبل و بعد از ورودی ۱۳۷۸ یعنی ورودی‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ مورد مطالعه قرار گرفتند و ورودی سال ۱۳۷۸ از این مطالعه حذف شد تا با ایجاد فاصله زمانی از این سال، نتایج دقیق‌تری حاصل گردد. به علاوه، برخی از داوطلبان کنکور سراسری ۱۳۷۸ تحت تأثیر شرایط قبل از این سال که معماری در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته ارائه می‌شد و با همان ذهنیت‌های قبلی که از این رشته وجود داشت، اقدام به انتخاب این رشته نمودند. به همین دلیل، ورودی سال ۱۳۷۸ به رشته معماری در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفت.

رتبه‌های کشوری کنکور سراسری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته معماری ورودی‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ از سازمان سنجش آموزش کشور دریافت گردید. به علاوه برای مقایسه رتبه‌های داوطلبان پذیرفته شده در رشته معماری با رشته‌های عمران- عمران و برق- الکترونیک قبل و بعد از سال ۱۳۷۸، رتبه‌های کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های عمران- عمران و برق- الکترونیک ورودی‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ نیز از سازمان سنجش آموزش کشور دریافت شد. ترسیم نمودارها و تحلیل‌های مربوطه به کمک برنامه‌های کامپیوتری اکسل ۲۰۰۳ و اسپاس انجام گرفت.

علاوه بر تحلیل رتبه‌ها، برای سنجش علایق و انگیزه‌های داوطلبان پذیرفته شده در رشته معماری و تصورات آنها از رشته معماری پرسش‌نامه‌ای (خوداظهاری) طراحی شد. برای این منظور، از دانشجویان و یا فارغ‌التحصیلان معماری دانشگاه تهران ورودی‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به‌عنوان ورودی‌های قبل از سال ۱۳۷۸ و دانشجویان و یا فارغ‌التحصیلان معماری دانشگاه تهران ورودی‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به‌عنوان ورودی‌های بعد از سال ۱۳۷۸ برای پاسخگویی به این پرسش‌نامه استفاده به عمل آمد. در مجموع تعداد ۱۱۹ پرسش‌نامه در این مرحله تکمیل شد. از این تعداد پرسش‌نامه، ۶۳ پرسش‌نامه را ورودی‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و ۵۶ پرسش‌نامه را ورودی‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ پر نمودند (شکل ۱). ترسیم نمودارها و تحلیل‌های مربوط به این پرسش‌نامه‌ها به‌کمک برنامه کامپیوتری اسپاس ۱۶/۰ انجام گرفت.



شکل ۱. تعداد پرسشنامه تکمیل شده توسط دانشجویان و یا فارغ التحصیلان معماری دانشگاه تهران، ورودی‌های ۷۷، ۷۶ (دسته ۱) و ۸۰، ۷۹ (دسته ۲) به تفکیک جنسیت

منبع: نگارندگان

علاوه بر پرسشنامه دانشجویان، برای سنجیدن و محک زدن علاقه و استعداد داوطلبان پذیرفته شده در رشته معماری قبل و بعد از سال ۱۳۷۸، پرسشنامه دیگری نیز برای سؤال از استادان معماری دانشگاه تهران در مورد مذکور در حوزه‌های مختلف تدریس معماری (طراحی، علوم ساختمانی و تاریخ و تئوری) طراحی شد. اما در پی تکمیل تعدادی از این پرسشنامه‌ها به صورت یک بررسی و مطالعه اولیه^۵ مشخص شد که تفاوت قابل توجهی بین پاسخ استادان وجود دارد. به علاوه از آنجا که تعداد استادان در حوزه‌های مختلف تدریس معماری جهت تحلیل کمی و آماری پرسشنامه طراحی شده از مقدار مورد نیاز کمتر بود، ترجیح داده شد که همان پرسشنامه با روش مصاحبه تکمیل شود. همچنین برای افزایش دقت پاسخ‌ها و برای سنجش علاقه و استعداد دانشجویانی که در سال‌های ابتدایی ورود به رشته معماری هستند، از استادانی مصاحبه به عمل آمد که به تدریس به دانشجویان معماری سال‌های اول و دوم در دروس مقدمات طراحی و طرح معماری ۱ اشتغال دارند؛ یعنی استادان آتلیه‌های معماری ۵ و ۶ دانشکده معماری دانشگاه تهران. در این مرحله در مجموع با ۱۰ نفر از استادان این آتلیه‌ها مصاحبه شد.

تحلیل نتایج

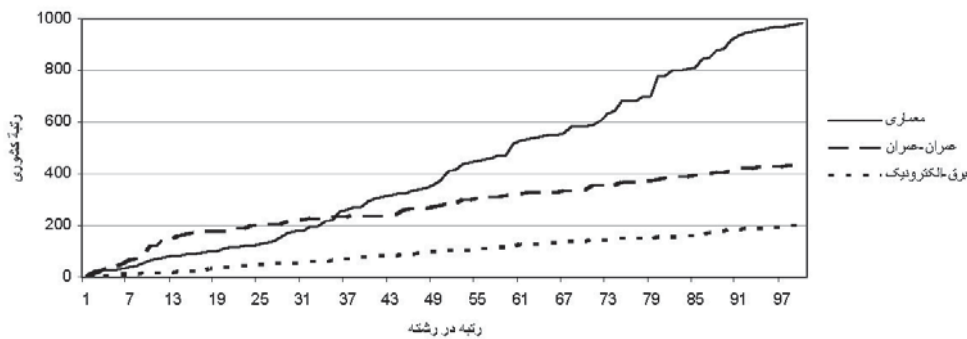
در ادامه، نتایج توصیفی و تحلیلی آمار دریافت شده از سازمان سنجش و پرسشنامه تکمیل شده توسط دانشجویان و یا فارغ التحصیلان معماری و همچنین نتایج حاصل از مصاحبه با استادان ارائه می‌گردد.

آمار سازمان سنجش

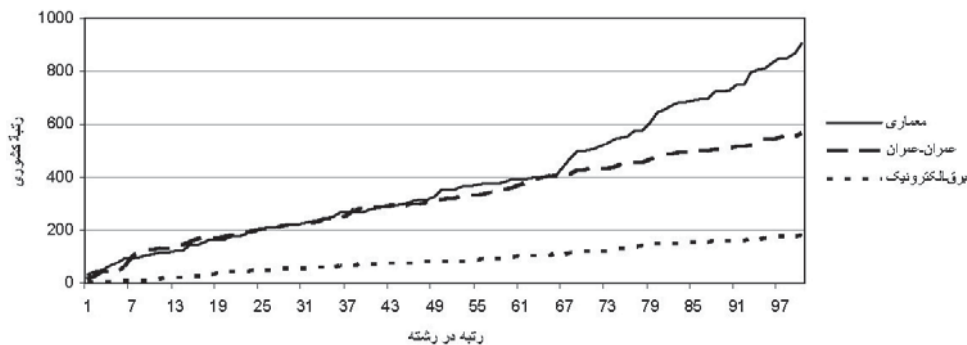
برای مقایسه رتبه‌های کشوری پذیرفته شدگان در رشته‌های معماری، عمران- عمران و برق- الکترونیک، نمودارهای رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های مذکور برای ورودی‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ ترسیم شد (شکل‌های ۲ تا ۵). همچنین، در مورد هر یک از این رشته‌ها به تفکیک، نمودارهای رتبه کشوری کنکور سراسری سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ ترسیم شد (شکل‌های ۶ تا ۸).

در شکل ۲ مشاهده می‌شود که در کنکور سراسری ۷۶، رشته برق- الکترونیک نسبت به دو رشته معماری و عمران- عمران از رتبه‌های کشوری بالاتری برخوردار بوده است. رشته معماری نسبت به عمران- عمران تا رتبه‌های (رتبه در رشته) حدوداً ۳۵ از رتبه‌های کشوری بالاتری برخوردار بوده است؛ اما پس از آن رتبه‌های کشوری بالاتر، رشته عمران- عمران را انتخاب کرده‌اند.

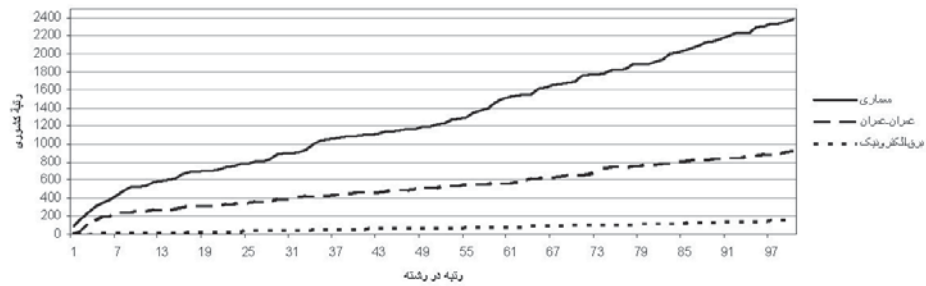
در شکل ۳ مشاهده می‌شود که در کنکور سراسری ۷۷، رشته برق- الکترونیک نسبت به دو رشته معماری و عمران- عمران از رتبه‌های کشوری بالاتری برخوردار بوده است. رشته‌های معماری و عمران- عمران تا رتبه‌های (رتبه در رشته) حدوداً ۶۷ رقابت تنگاتنگی را شاهد بوده‌اند؛ اما پس از آن رتبه‌های کشوری بالاتر، رشته عمران- عمران را انتخاب کرده‌اند. در شکل‌های ۴ و ۵ مشاهده می‌شود که در کنکور سراسری ۷۹ و ۸۰، رتبه‌های کشوری بالاتر به ترتیب به رشته‌های برق- الکترونیک، عمران- عمران و معماری اختصاص داشته است.



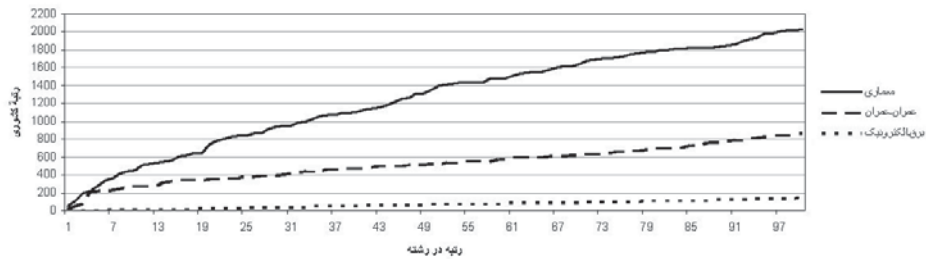
شکل ۲. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های معماری، عمران- عمران و برق- الکترونیک ورودی ۷۶
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور



شکل ۳. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های معماری، عمران- عمران و برق- الکترونیک ورودی ۷۷
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور



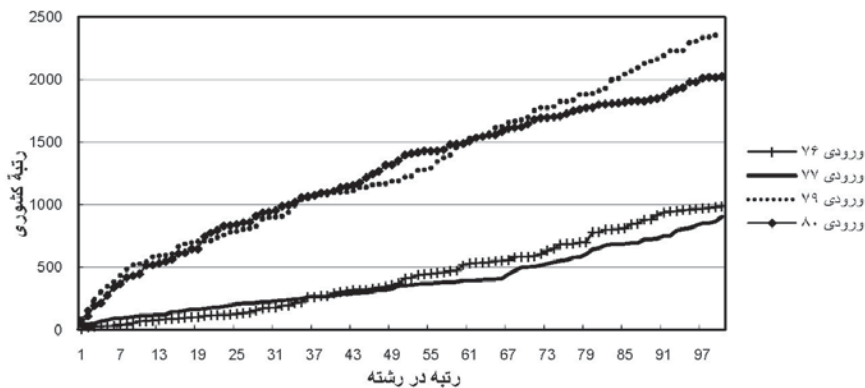
شکل ۴. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های معماری، عمران-عمران و برق-الکترونیک ورودی ۷۹
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور



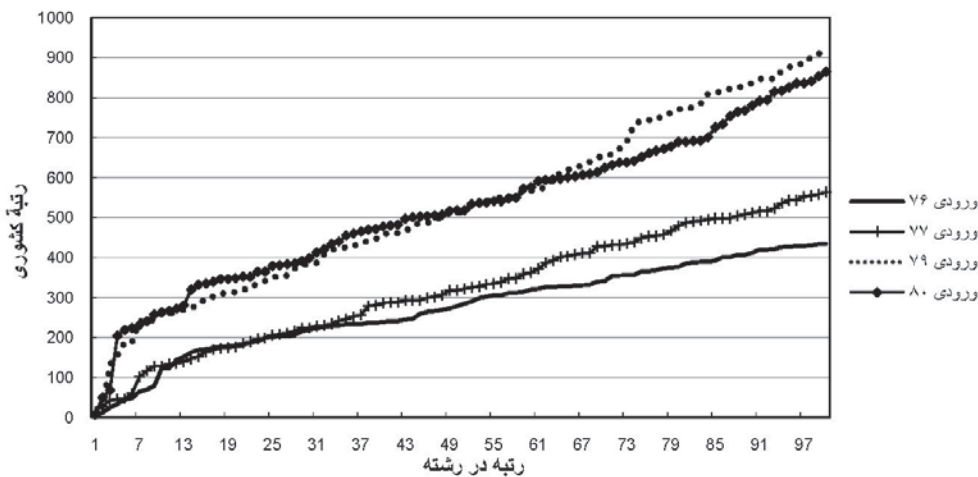
شکل ۵. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های معماری، عمران-عمران و برق-الکترونیک ورودی ۸۰
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور

در شکل ۶ مشاهده می‌شود که رتبه‌های کشوری معماری در کنکور سال‌های ۷۶ و ۷۷ به هم نزدیک هستند، اما به‌ناگهان در کنکور سال‌های ۷۹ و ۸۰ افت می‌کند و رتبه‌های کشوری پذیرفته شده در معماری بیشتر می‌شود.

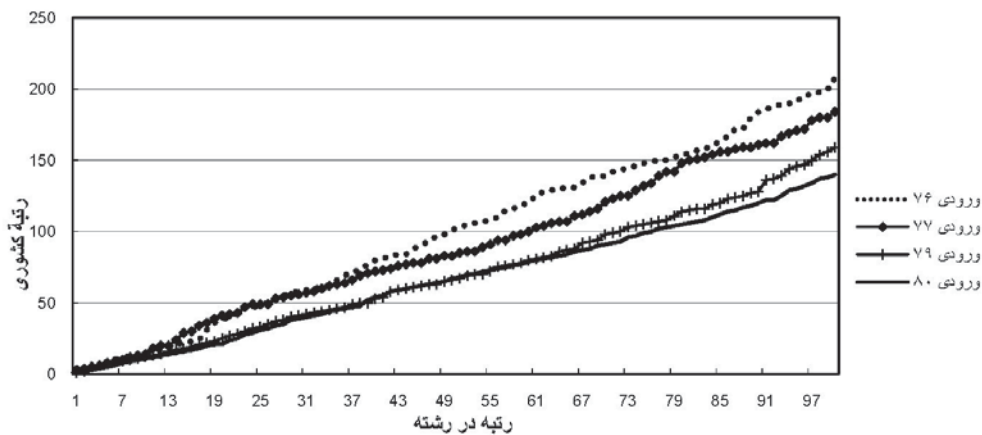
در شکل ۷ مشاهده می‌شود که رتبه‌های کشوری عمران-عمران در کنکور سال‌های ۷۹ و ۸۰ نسبت به سال‌های ۷۶ و ۷۷ افت داشته است و اینکه به‌طور کلی رتبه‌های کشوری پذیرفته شده در این رشته، رفته‌رفته در حال پایین‌تر آمدن است. به عبارت دیگر، سال به سال قبولی در این رشته آسان‌تر شده است. در شکل ۸ مشاهده می‌شود که رتبه‌های کشوری برق-الکترونیک از کنکور سال‌های ۷۶ تا ۸۰ در حال بالا رفتن است. به عبارت دیگر، سال به سال قبولی در این رشته سخت‌تر شده است.



شکل ۶. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته معماری کنکور سراسری سال‌های ۷۶ تا ۸۰
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور



شکل ۷. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته عمران- عمران کنکور سراسری سال‌های ۷۶ تا ۸۰
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور



شکل ۸. مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته برق- الکترونیک کنکور سراسری سال‌های ۷۶ تا ۸۰
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور

برای بررسی اینکه آیا تفاوت آماری معناداری در رتبه‌های کشوری پذیرفته‌شدگان در رشته معماری بین ورودی‌های قبل و بعد از سال ۱۳۷۸ وجود دارد یا خیر، به تحلیل و مقایسه رتبه‌های کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته معماری در دو دسته یک (ورودی‌های ۷۶ و ۷۷) و دسته دو (ورودی‌های ۷۹ و ۸۰) پرداخته می‌شود. به علاوه، برای رسیدن به پاسخ این سؤال که آیا بین ورودی‌های قبل و بعد از سال ۱۳۷۸، تفاوت معناداری در رتبه‌های کشوری معماری با رشته‌های عمران- عمران و برق- الکترونیک وجود دارد یا خیر، رتبه‌های کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته معماری با رتبه‌های کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های عمران- عمران و برق- الکترونیک، در دو دسته یک و دو مقایسه می‌شود. لازم به ذکر است که P value در تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش، کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. همچنین، برای بررسی رابطه بین یک متغیر اسمی^۱ و یک متغیر ترتیبی^۲ از آزمون «من- ویتنی»^۳ کمک گرفته شده است.

نتیجه این محاسبات نشان می‌دهد که تفاوت بین رتبه کشوری معماری ورودی ۷۶ با ورودی‌های ۷۹ و ۸۰ معنادار است. به همین ترتیب، تفاوت بین رتبه کشوری معماری ورودی ۷۷ با ورودی‌های ۷۹ و ۸۰ معنادار است. این امر حاکی از این واقعیت است که بعد از سال ۱۳۷۸ که مقطع کارشناسی ارشد پیوسته از معماری کنکور سراسری حذف شد، رتبه‌های پذیرفته شده در این رشته به میزان قابل توجهی افت پیدا کرده است (رجوع شود به شکل ۶). به طوری که میانگین رتبه پذیرفته شده در معماری ۷۶ و ۷۷ به ترتیب $431/00$ و $386/56$ بوده و در معماری ۷۹ و ۸۰ به ترتیب، $1306/03$ و $1254/36$ بوده است.

نتایج مقایسه رتبه‌های معماری و عمران - عمران نیز نشان می‌دهد که تفاوت بین رتبه کشوری معماری و عمران - عمران در دسته دو (بعد از سال ۷۸) معنادار بوده است. لازم به ذکر است که تفاوت میانگین رتبه‌ها بین رشته‌های معماری و عمران - عمران در دسته دو نسبت به دسته یک افزایش داشته است. به طوری که این تفاوت در سال ۷۶، ۱۵۸ و در سال ۸۰، ۷۳۶ بوده است و این می‌تواند نشانه‌ای از افزایش فاصله رتبه‌های قبولی در رشته‌های معماری و عمران - عمران بعد از سال ۱۳۷۸ باشد.

نتایج مقایسه رتبه‌های معماری و برق - الکترونیک نیز نشان می‌دهد که تفاوت بین رتبه کشوری معماری و برق - الکترونیک در کنکور ۷۶ و ۷۷ معنادار بوده است. در هر دو کنکور ۷۹ و ۸۰ نیز تفاوت بین رتبه کشوری معماری و برق - الکترونیک معنادار بوده است. به این ترتیب، نتایج آماری تفاوت بین رتبه کشوری معماری و برق - الکترونیک هم در دسته یک (قبل از سال ۷۸) و هم در دسته دو (بعد از سال ۷۸) معنادار بوده است. لازم به ذکر است که تفاوت میانگین رتبه‌ها بین رشته‌های معماری و برق - الکترونیک در دسته دو نسبت به دسته یک افزایش داشته است. به طوری که این تفاوت در سال ۷۶، ۳۳۲ و در سال ۸۰، ۱۱۸۸ بوده است و این می‌تواند نشانه‌ای از افزایش فاصله رتبه‌های قبولی در رشته‌های معماری و برق - الکترونیک، بعد از سال ۱۳۷۸ باشد.

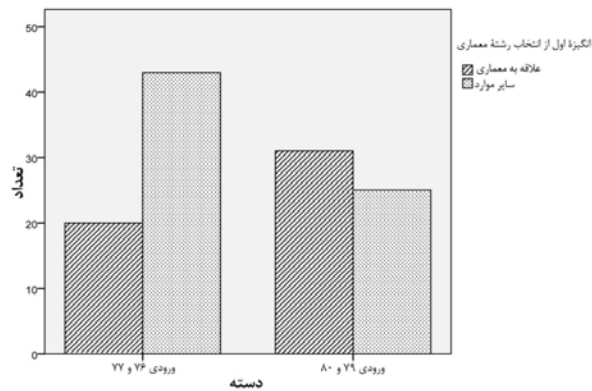
پرسش‌نامه دانشجویان

پرسش‌نامه تکمیل شده توسط دانشجویان و یا فارغ‌التحصیلان معماری از دو بخش تشکیل شده بود. یک بخش مربوط به مشخصات فردی بود و بخش دیگر شامل هفت سؤال بود که تحلیل آنها می‌توانست به روشن شدن موضوع پژوهش کمک نماید. همان‌طور که اشاره شد از دانشجویان و یا فارغ‌التحصیلان معماری دانشگاه تهران ورودی‌های ۷۶، ۷۷، ۷۹ و ۸۰ برای پرسش‌نامه تکمیل شده استفاده به عمل آمد. ورودی‌های ۷۶ و ۷۷ به عنوان ورودی‌های قبل از سال ۱۳۷۸ در «دسته یک» و ورودی‌های ۷۹ و ۸۰ به عنوان ورودی‌های بعد از سال ۱۳۷۸ در «دسته دو» قرار داده شدند. در دسته یک (ورودی ۷۶ و ۷۷)، ۴۶ درصد زن و ۵۴ درصد مرد بودند. در دسته دو (ورودی ۷۹ و ۸۰)، ۶۰/۷ درصد زن و ۳۹/۳ درصد مرد بودند.

برای دریافت اینکه آیا تفاوت آماری معناداری در پاسخ به سؤالات بین ورودی‌های قبل و بعد از سال ۱۳۷۸ وجود دارد یا خیر، به تحلیل و مقایسه پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌نامه دانشجویان در دو دسته یک (ورودی‌های ۷۶ و ۷۷) و دسته دو (ورودی‌های ۷۹ و ۸۰) پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که P value در تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. همچنین برای بررسی رابطه بین دو متغیر اسمی از آزمون «کای دو» استفاده شده است.

در پاسخ به این سؤال که انگیزه اول از انتخاب رشته معماری چه بوده (شکل ۹)، نتایج محاسبه نشان می‌دهد که در مورد انگیزه اول از انتخاب رشته معماری، بین دو دسته یک و دو در علاقه به معماری تفاوت آماری معنادار وجود دارد. یعنی پس از متوقف شدن پذیرش در رشته معماری در

مقطع کارشناسی ارشد پیوسته، پذیرفته‌شدگان در این رشته با علاقه بیشتری نسبت به معماری وارد این رشته می‌شوند.

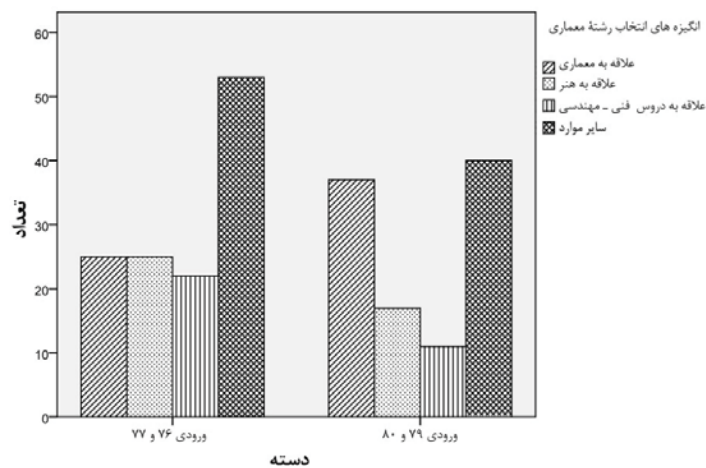


شکل ۹. «انگیزه اول از انتخاب رشته معماری» برای بررسی تفاوت آماری معنادار در رابطه با علاقه به معماری بین دو دسته یک و دو

منبع: نگارندگان

برای بررسی مقایسه تصور دو دسته یک و دو از رشته معماری در هنگام انتخاب آن در جدول انتخاب رشته کنکور سراسری، نتایج محاسبه نشان می‌دهد که در این مورد بین دو دسته یک و دو تفاوت معناداری وجود ندارد. یعنی تصور دو دسته یک و دو از رشته معماری در هنگام انتخاب آن در جدول انتخاب رشته کنکور سراسری به‌عنوان رشته‌ای ترکیبی از رشته‌های فنی-مهندسی و هنری، یکسان بوده است.

در مقایسه درصد فراوانی هر یک از انگیزه‌های انتخاب رشته معماری بدون در نظر گرفتن ترتیب اولویت آنها، مشخص شد بین انگیزه‌های علاقه به معماری، علاقه به هنر، علاقه به دروس فنی-مهندسی و سایر موارد، بین دو دسته یک و دو تفاوت آماری معنادار وجود دارد. لازم به‌ذکر است که در مورد این سؤال امکان انتخاب بیش از یک گزینه برای پاسخ‌دهندگان وجود داشته است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. انگیزه‌های انتخاب رشته معماری بدون در نظر گرفتن ترتیب اولویت آنها، برای بررسی تفاوت آماری معنادار در رابطه با علاقه به معماری، هنر و دروس فنی-مهندسی و سایر موارد بین دو دسته یک و دو

منبع: نگارندگان

در پاسخ به سؤال تمایل به ادامه تحصیل در مقطع بالاتری از رشته معماری و انگیزه‌های اول و دوم برای ادامه تحصیل، با احتیاط می‌توان گفت که بین دو دسته یک و دو تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

در پاسخ به سؤال انگیزه‌های اول و دوم برای ادامه تحصیل در مقطع بالاتری از رشته معماری، در رابطه با علاقه به معماری و سایر موارد، با احتیاط می‌توان گفت که بین دو دسته یک و دو تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. این مسئله نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت آماری معنادار در علاقه به رشته معماری هنگام ورود به دانشگاه بین دو دسته یک و دو، برای ادامه تحصیل تفاوت آماری معناداری در علاقه به معماری به‌عنوان انگیزه اول و دوم وجود ندارد.

همچنین در مقایسه درصد فراوانی هر یک از انگیزه‌های ادامه تحصیل در مقطع بالاتری از رشته معماری بدون در نظر گرفتن ترتیب اولویت آنها، مشخص شد بین انگیزه‌های علاقه به معماری و سایر موارد، بین دو دسته یک و دو تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

در پاسخ به این سؤال که علاقه افراد به کدام یک از دروس معماری بیشتر بوده، نتایج محاسبه نشان می‌دهد که در این مورد بین دو دسته یک و دو تفاوت آماری معناداری وجود ندارد و در هر دو دسته بیشترین علاقه به حوزه طراحی در معماری بوده است.

پرسش‌نامه استادان

همان‌طور که اشاره شد در خصوص پرسش‌نامه استادان با ۱۰ نفر از استادان آتلیه‌های ۵ و ۶ دانشکده معماری دانشگاه تهران مصاحبه به عمل آمد. لازم به ذکر است که با توجه به تدریس استادان مربوطه در حوزه طراحی معماری، نظرات ارائه شده توسط آنها تنها این حوزه را دربرمی‌گیرد و شامل دو حوزه دیگر یعنی حوزه علوم ساختمانی و حوزه تاریخ و تئوری در معماری نمی‌شود.

نتایج این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که در خصوص تأثیر تغییر مقطع رشته معماری از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته، در میان استادان سه دیدگاه مختلف وجود دارد. افراد دارای دیدگاه دسته اول معتقد بودند که حذف کارشناسی ارشد پیوسته از رشته معماری بر میزان علاقه و یا استعداد داوطلبان پذیرفته شده هیچ تأثیری نداشته است. دیدگاه دسته دوم که معتقد بودند تأثیر کمی داشته است و دیدگاه دسته سوم که اعتقاد داشتند تأثیر زیادی داشته است. لازم به ذکر است که بعضی از استادان در مورد تأثیر تغییر مقطع معماری بر دو مقوله علاقه و استعداد، در مورد علاقه یک دیدگاه و در مورد استعداد دیدگاه دیگری داشتند.

بنا به دیدگاه دسته اول که معتقد بودند تغییر مقطع معماری تأثیری نداشته است، در میزان علاقه و استعداد دانشجویان پذیرفته شده در چند سال اخیر که پذیرش در رشته معماری در مقطع کارشناسی صورت می‌گیرد، نسبت به سابق که پذیرش در مقطع کارشناسی ارشد صورت می‌گرفت، تغییری رخ نداده است. البته یکی از استادان این گروه معتقد بود که علاقه به معماری در این چند سال بیشتر شده است، اما آن را مرتبط با تغییر مقطع معماری نمی‌دانست.

دسته دوم که معتقد بودند تغییر مقطع معماری تأثیر کمی داشته است، یک روند افزایشی را برای میزان علاقه دانشجویان پذیرفته شده نسبت به سابق قایل بودند. اما در مورد استعداد نظرات متفاوت بود، یعنی هم افزایش استعداد و هم کاهش استعداد جزو نظرات استادان بود. این گروه از استادان به نقش پیوسته بودن کارشناسی ارشد معماری در حالت سابق آن به‌عنوان انگیزه‌های کاذب و بیرونی برای انتخاب این رشته اشاره نمودند.

دسته سوم که معتقد بودند تغییر مقطع معماری تأثیر زیادی داشته است، یک روند کاهشی را برای میزان علاقه و استعداد دانشجویان پذیرفته شده نسبت به سابق قایل بودند. این گروه از استادان به نقش پیوسته بودن کارشناسی ارشد معماری در حالت سابق آن در شناساندن معماری به عنوان رشته‌ای با ویژگی‌های استثنایی، خاص و متفاوت با سایر رشته‌های فنی-مهندسی اشاره نمودند. آنها معتقد بودند همین شناخت از معماری باعث می‌شد دانشجویانی با علاقه و انگیزه بیشتر و استعداد و توانایی بیشتر وارد این رشته شوند (جدول ۱).

جدول ۱. نظرات استادان در رابطه با تأثیر تغییر مقطع معماری بر علاقه و استعداد دانشجویان پذیرفته شده

استعداد			علاقه			نظر استادان
کمتر شده	بیشتر مانده	بیشتر شده	کمتر شده	بیشتر مانده	بیشتر شده	
	✓ (۶)			✓ (۲)	* (۱)	تغییر مقطع، تأثیری نداشته
✓ (۱)		✓ (۲)			✓ (۵)	تغییر مقطع، تأثیر کمی داشته ***
✓ (۱)			✓ (۲)			تغییر مقطع، تأثیر زیادی داشته ***

منبع: نگارندگان

- * در این مورد، علاقه بیشتر به معماری ارتباطی با تغییر مقطع معماری نداشته و تحت تأثیر عوامل دیگری بوده است.
- ** کلیه مقادیر ارائه شده در داخل پرانتز به تعداد استنادی اشاره دارد که در رابطه با مسئله مطرح شده نظر مشابهی داشتند.
- *** اعتقاد به اینکه تغییر مقطع بر علاقه و یا استعداد تأثیر کم یا زیادی داشته، اشاره‌ای به میزان کمی تغییر در علاقه و یا استعداد دانشجویان ندارد. به عنوان مثال، اگر نظر استادی این بوده که تغییر مقطع تأثیر کمی داشته و اینکه استعداد دانشجویان کمتر شده، این عبارت به این معنا نیست که طبق نظر این استاد، استعداد دانشجویان کمی کمتر شده؛ بلکه بعضاً استنادی با نظر «تأثیر کم مقطع» بوده‌اند که اعتقاد داشته‌اند استعداد دانشجویان خیلی کمتر شده است.

به این ترتیب همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، استنادی که این مصاحبه با آنها انجام شد، نظرات نسبتاً متفاوتی نسبت به این مسئله داشتند. لازم به ذکر است که استادان با تجربه کمتر و بیشتر نیز بعضاً نظر یکسانی داشتند و یا استنادی بودند با تجربه بیشتر و تقریباً به یک میزان که نظرات متفاوتی ارائه نمودند.

استادانی که با آنها مصاحبه شد، در زمینه پیوسته و ناپیوسته بودن کارشناسی ارشد معماری، مزایا و معایبی نیز ذکر نمودند که در اینجا به آنها اشاره می‌شود. از جمله مزایای آن می‌توان گفت که با کوتاه‌تر شدن طول دوره، دانشجویانی که احساس تمایل به ادامه تحصیل در این رشته ندارند، می‌توانند در پایان دوره کارشناسی متوقف شوند و دیگر در این رشته ادامه تحصیل ندهند. به این ترتیب دانشجویانی که علاقه و توانایی بیشتری دارند، می‌توانند در مقاطع بالاتر ادامه تحصیل دهند که این امر می‌تواند موجب ارتقای کیفی این رشته در مقاطع بالاتر گردد. همچنین با ناپیوسته شدن معماری، بر خلاف حالت قبلی، دوره کارشناسی ارشد معماری به صورت تخصصی در آمده و گرایش‌های مختلف و متنوعی برای آن ارائه شده است.

اما از جمله معایب آن می‌توان گفت با توجه به ماهیت متفاوت رشته معماری و بالطبع تفاوت در نحوه آموزش آن، طول دوره کارشناسی برای معماری کوتاه به نظر می‌رسد. به طوری که تعدادی از استادان اعتقاد داشتند آموزش معماری همچون آموزش پزشکی از ماهیتی پرورشی برخوردار است که قطع شدن آن با پایان دوره کارشناسی به جا نیست. به علاوه ناپیوسته نمودن این رشته موجب کاهش اعتبار و جایگاه این رشته علمی رغم ماهیت متفاوت و خاص معماری شده است. همچنین، اینکه با افزایش ظرفیت پذیرش در مقطع کارشناسی، از ارزش و اعتبار معماری کاسته شده است. برای حل بخشی از این مشکلات پیشنهاد شد در سیستم آموزشی معماری در دوره کارشناسی تغییرات بیشتر و مناسب‌تری اعمال گردد. دیگر اینکه بعضی از دانشگاه‌ها همچون سابق به همان صورت پیوسته به پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد معماری بپردازند و سایر دانشگاه‌ها به صورت ناپیوسته و در مقطع کارشناسی. همچنین، در تعداد پذیرش در این رشته با توجه به نیاز جامعه کاهش صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

انتخاب دانشجو برای تحصیل در رشته معماری با توجه به ماهیت و ویژگی‌های متفاوت آن نسبت به سایر رشته‌های فنی-مهندسی نیاز به دقت و توجه بیشتری دارد. در این زمینه سازمان سنجش در نحوه برگزاری آزمون و انتخاب دانشجو برای این رشته تغییراتی داده است. یکی از این تحولات تغییر مقطع آن از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته از سال ۱۳۷۸ بوده است. این تغییر مقطع موجب شده دانشجویانی با ویژگی‌های متفاوت به لحاظ علاقه و استعداد برای تحصیل در این رشته انتخاب شوند. تأثیر این مسئله را می‌توان از طریق مطالعه عملکرد دانشجویان در کنکور سراسری و در هنگام تحصیل مورد تحلیل قرار داد. مطالعه عملکرد دانشجویان می‌تواند به کمک پرسش‌نامه از دانشجویان و استادان و بررسی رتبه‌های آنها در کنکور سراسری صورت گیرد. در مقایسه رتبه کشوری مشخص شد که بعد از سال ۱۳۷۸، رتبه‌های پذیرفته شده در این رشته به میزان قابل توجهی افت پیدا کرده است و فاصله رتبه‌های قبولی در رشته‌های معماری با رشته‌های عمران- عمران و برق- الکترونیک افزایش یافته است. به این ترتیب تا زمانی که پذیرش در معماری در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته بوده، این رشته در میان رتبه‌های برتر کنکور خواهان بیشتری داشته است.

پرسش‌نامه تکمیل شده توسط دانشجویان و یا فارغ‌التحصیلان معماری نشان می‌دهد که بعد از سال ۷۸ داوطلبان علاقمندتر برای تحصیل در رشته معماری به این رشته راه یافته‌اند. به علاوه، قبل از سال ۷۸ نسبت به بعد از آن، علاقه به هنر و درس فنی-مهندسی بیشتر بوده و بعد از سال ۷۸ نسبت به قبل از آن، علاقه به معماری بیشتر بوده است.

پرسش‌نامه تکمیل شده توسط استادان معماری نشان می‌دهد که اکثریت استادان اعتقاد داشتند تغییر مقطع بر علاقه داوطلبان پذیرفته شده تأثیر کمی داشته و بر استعداد داوطلبان پذیرفته شده تأثیری نداشته است.

با توجه به مطالعه انجام شده، بعد از تغییر مقطع معماری از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته دانشجویانی با علاقه و توانایی‌های متفاوت نسبت به قبل از آن برای تحصیل در این رشته انتخاب شده‌اند. به علاوه، طبق نکات مطرح شده توسط استادانی که با آنها مصاحبه به عمل آمد، ناپیوسته شدن معماری دارای برخی جوانب مثبت و منفی بوده است. از این رو در وضعیت فعلی، برنامه‌ریزی متفاوت و دقیق برای نحوه آموزش به دانشجویان منطقی به نظر می‌رسد.

تشکر و قدردانی

در این پژوهش مقایسه رتبه کشوری ۱۰۰ داوطلب اول پذیرفته شده در رشته‌های معماری، عمران- عمران و برق- الکترونیک برای ورودی‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ بر اساس داده‌های آماری اخذ شده از سازمان سنجش آموزش کشور صورت گرفته است که بدین‌وسیله، نگارندگان مراتب قدردانی و سپاس خود را نسبت به سازمان سنجش آموزش کشور ابراز می‌دارند.

پی‌نوشت‌ها

1. Keith
2. Cool
3. Excel 2003
4. SPSS 16.0
5. Pilot Study
6. Nominal
7. Ordinal
8. Mann-Whitney (194-195, 1376, 1376, رجوع شود به واس، برای توضیحات بیشتر، رجوع شود به واس، 1376، 194-195)

فهرست منابع

- احمدی، حسن و سروری، شهره (۱۳۸۱) *راهنمای انتخاب رشته*، همت جاودان، تهران.
- ایزدی، عباسعلی (۱۳۸۴) «انتخاب دانشجوی برای تحصیل در رشته معماری- ضرورت بازنگری و مطالعه جامع‌تر»، در مجموعه مقالات *دومین همایش آموزش معماری*، به کوشش سید امیرسعید محمودی، نگاه امروز و دانشگاه تهران، ۵۴-۵۵.
- درودگر، قاسم (۱۳۸۸) «اصلاح شیوه‌گزینش دانشجوی به‌منظور ارتقای کیفیت آموزش معماری- گام‌های عملی برای رسیدن به وضعیت مطلوب»، *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، شماره ۲۸، ۲۵-۳۶.
- سازمان سنجش آموزش کشور.
- سودایی شبستری، فیروزه (۱۳۸۵) *آشنایی با رشته‌های دانشگاهی*، چاپ سوم، سازمان سنجش آموزش کشور، تهران.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، روانشناسی پرورشی نوین- روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ چهلیم، دوران، تهران.
- طاقی، زهرا (۱۳۸۷) «تأملی در تبعات رشد کمی دوره کارشناسی معماری در دانشگاه‌های کشور»، *صفه*، سال شانزدهم، شماره ۴۶، ۱۲۵-۱۳۴.
- محمودی، سید امیرسعید (۱۳۸۱) «چالش‌های آموزش طراحی معماری در ایران- بررسی دیدگاه استادان و دانشجویان»، *هنرهای زیبا*، شماره ۱۲، صص ۷۰-۷۹.
- محمودی، سید امیرسعید (۱۳۸۷) «مروری بر دروس طراحی معماری- بررسی کاربرد آنها در آزمون‌های طراحی»، در مجموعه مقالات *سومین همایش آموزش معماری*، به کوشش سید امیرسعید محمودی، دانشگاه تهران، تهران.
- محمودی، سید امیرسعید (۱۳۹۰) «مقدمه»، در مجموعه مقالات *چهارمین همایش آموزش معماری*، به کوشش سید امیرسعید محمودی، دانشگاه تهران، تهران.
- واس، دی.ای.د (۱۳۷۶) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابیی، نشر نی، تهران.